

بررسی تطبیقی نقش مولفه‌های جغرافیایی در ارتکاب جرایم اقتصادی از منظر حقوق ایران و فقه امامیه و اسناد بین‌المللی

مینا حسین‌الحسینی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

امان‌الله علیم‌رادی^۱

استادیار گروه حقوق، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

حمید دلیر

استادیار گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

مهدی احمدی موسوی

استادیار گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۰

چکیده

مولفه‌های جغرافیایی نقش بارز و اساسی در ارتکاب جرایم اقتصادی ایفاء می‌نمایند به نحوی که عواملی مانند موقعیت سرزمینی و اقلیمی، تغییرات آب و هوایی و ... به عنوان یکی از عوامل بارز در ارتکاب این جرایم در نظر گرفته شده‌اند. البته این موضوع که این عوامل به طور پیوسته در ارتکاب این جرایم نقش ایفاء می‌نمایند، هم‌چنان به طور کامل به عنوان عوامل مانع و جامع در نظر گرفته نشده‌اند. این تحقیق که با استفاده از یک رویکرد توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است درصدد پاسخ به این پرسش است که نقش مولفه‌های جغرافیایی در ارتکاب جرایم اقتصادی با توجه به موازین و استانداردهای حقوق ایران، فقه امامیه و اسناد بین‌المللی چیست؟ نتیجه تحقیق حاضر بدین صورت است که با وجود اینکه مولفه‌های جغرافیایی هم‌چون جمعیت غیرنظامی در ارتکاب برخی جرایم مانند جرایم بین‌المللی و هم‌چنین محاربه و برخی از مصادیق افساد فی الارض در فقه و حقوق داخلی و بین‌المللی مهم شمرده‌اند، اما در زمینه جرایم اقتصادی مولفه‌های جغرافیایی به عنوان عوامل مستقل نه در اسناد حقوق داخلی، نه در اسناد حقوق بین‌الملل و نه در فقه امامیه مورد توجه قرار نگرفته‌اند. با این حال، این غفلت تا حدودی به ویژه در زمینه اسناد بین‌المللی با ظهور تفاسیر بر مواد این اسناد مرتفع شده است و نقش عوامل جغرافیایی تا حدودی مهم جلوه داده شده‌اند.

واژگان کلیدی: جرم اقتصادی، عوامل جغرافیایی، عوامل انسانی، فقه، حقوق، اسناد بین‌المللی.

^۱ نویسنده مسئول: alimoradi479@yahoo.com

مقدمه

جرایم به عنوان رفتارهایی تلقی می‌شوند که به یکباره و در اثر فعل یا ترک فعل مجرمانه‌ای به وجود نیامده‌اند. با وجود این، جرایم به ویژه در زمینه‌های مربوط به پیشگیری از جرم به عنوان رفتارها اعم از فعل یا ترک فعل تعریف شده‌اند که ناشی از مجموعه عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی تعریف شده‌اند. در این میان، عوامل جغرافیایی مانند عوامل سرزمینی مانند موقعیت جغرافیایی و سرزمینی، عوامل جمعیتی و ... در بروز و ارتکاب جرایم اقتصادی نقش بارزی دارند. البته هنوز تحقیق مستقلی در این باره صورت نگرفته است اما بدیهی است که این عوامل نقش موثری را در این خصوص بازی می‌کنند. از سوی دیگر، بر طبق تحقیقات جرم‌شناختی، برخی عوامل جمعیتی انسانی در ارتکاب برخی جرایم نقش اصلی را ایفاء می‌نمایند برای نمونه در تحقیقی در کانادا در سال ۱۹۹۹ میلادی، مشخص شد که ۸۶ درصد از مجرمان بزرگسال و ۷۵ درصد از مجرمان نوجوان، جنسیت مذکر دارند. هم‌چنین، اثبات شده است که میزان جرایم و از جمله جرایم اقتصادی در مناطقی که از محرومیت‌های اقتصادی رنج می‌برند، بیشتر می‌باشد اگرچه ارتکاب جرایمی مانند قتل، سرقت و تجاوز در این مناطق بیشتر می‌باشد. هم‌چنین، بر طبق تحقیقات ۱۹۹۹ میلادی عمومی اجتماعی کانادا در مناطق با جمعیت بین ۱۵-۲۴، بالاترین میزان خشونت و جرایم علیه اموال گزارش شده است. هم‌چنین، ارتباط مستقیم بین جرایم و مناطقی که دارای اقلیت‌های نژادی، فرهنگی و مذهبی هستند گزارش شده است. تمامی این موارد می‌رساند که میان مولفه‌های جغرافیایی به ویژه جغرافیای انسانی و ارتکاب جرایم مختلف ارتباط مستقیم وجود دارد.

در تحقیق حاضر با یک رویکرد توصیفی-تحلیلی به این سوال پرداخته خواهد شد که مولفه‌های جغرافیایی چه نقشی در ارتکاب جرم یا جرایم اقتصادی ایفاء می‌نمایند؟ این مقاله از سه بخش تشکیل شده است که در بخش نخست آن به تعریف جرم اقتصادی و مقایسه آن با سایر مفاهیم مشابه پرداخته می‌شود. در بخش دوم به نقش مولفه‌های جغرافیایی در ارتکاب جرایم اقتصادی از منظر حقوق ایران، فقه امامیه و اسناد بین‌المللی پرداخته می‌شود. نهایتاً به ارایه راهکارهای موجود در حقوق بین‌الملل که مبتنی بر نقش مولفه‌های جغرافیایی در ارتکاب جرایم اقتصادی هستند؛ پرداخته می‌شود.

رویکرد مفهومی و نظری

در مبحث نخست به تعریف جرم اقتصادی از منظر اسناد حقوق جزای داخلی و اسناد حقوق جزای بین‌المللی به ویژه کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون مریدا پرداخته می‌شود. بدیهی است که در این راستا، ضعف‌ها و چالش‌ها و خلأها هم در سیاست کیفری ایران و هم سیاست کیفری ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای در تعریف و مفهوم پردازی جرم اقتصادی وجود دارد که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

تعریف جرم اقتصادی از منظر حقوق جزای داخلی

پیش از پرداختن به این موضوعات بایستی مواردی را خاطر نشان ساخت اولاً اینکه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز از تعریف کلی جرم اقتصادی اجتناب کرده و از روش تبیین مصداقی همانند روش شورای اروپا استفاده کرده است.

این روش قبل از قانون مذکور در بخشنامه رییس قوه قضاییه در خصوص جرایم کلان اقتصادی نیز به کار گرفته شده بود. بررسی این دو مقرره نشان می دهد که مصادیق آنها انطباق کامل با یکدیگر ندارند. شکل نگارش ماده به صورتی است که این مصادیق، حصری است و مانع اطلاق عنوان ((جرم اقتصادی)) به سایر جرایم می شود. از این رو، سایر رفتارهای مخل نظم اقتصادی در صورتی که یکی از مصادیق جرایم مذکور نباشد، به هر اندازه که اهمیت داشته باشد، عنوان ((جرم اقتصادی)) ندارند و مشمول تشدیدهای مذکور در قانون جدید مجازات اسلامی نخواهند شد. (Hasani and Mahra, 2015: 54)

ثانیا در چارچوب اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قانون گذار می بایستی مجازات یک جرم را تعیین نماید اما از آنجا که جرایم اقتصادی تعریف نشده لذا لزوم ایجاد یک مجازات خاص جرایم اقتصادی نسبت به جرایم اقتصادی احساس می شود بنابراین برای ایجاد تناسب بین اتهامات انتسابی به متهم و مجازات با رعایت اصول حاکم بر مجازات ها یعنی اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها عمل می شود. (Nazari Nejad and Esfandiari Far, 2016: 193)

از سوی دیگر، همان گونه که در رای وحدت رویه قضایی شماره ۵۷۱ دیوان عالی کشور در مورد تلقی جرم ارتشاء به عنوان یک جرم عمومی و رسیدگی دادگاه عمومی بدان که نشان از عدم افتراقی شدن آیین دادرسی جرایم اقتصادی دارد، نشان داده شده است ((جرم ارتشاء که مجازات آن در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب پانزدهم آذر ماه ۱۳۶۷ و تبصره های مربوطه به تناسب قیمت مال یا وجه مأخوذ معین شده از جرایم عمومی می باشد و رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه های عمومی دادگستری است. ماده ۴ این قانون ناظر به تشدید مجازات کسانی می باشد که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء مبادرت نمایند و تشدید مجازات تأثیری در صلاحیت دادگاه های عمومی ندارد اما چنانچه دادگاه تشخیص دهد که تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری برای اخلال در نظام جمهوری اسلامی ایران باشد مورد مشمول ذیل ماده مرقوم می گردد و رسیدگی با دادگاه های انقلاب اسلامی خواهد بود. بنابراین رأی شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.))؛ بایستی به این امر اشعار دارد که در نظام تشکیلات دادگستری ایران، دادگاه های اختصاصی به منظور رسیدگی به جرایم اقتصادی تشکیل نشده است و همین عدم افتراقی شدن منجر به بروز بسیاری از مشکلات در نزد قضات رسیدگی کننده به ویژه عدم آشنایی قاطبه آنها با رسیدگی اختصاصی به جرایم اقتصادی می شود. با این حال، نمی توان نافی اقدامات در این زمینه شد به نحوی که؛ یکی دیگر از اقدامات صورت گرفته در زمینه مبارزه با جرایم اقتصادی، تشکیل مجتمع قضایی ویژه امور اقتصادی در دادگستری کل استان تهران بوده است. با این حال، در شرایط فعلی بازتعریف سازمانی فعالیت های دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور برای مبارزه موثر با جرایم اقتصادی ضروری به نظر می رسد. (Sadati, 2015: 10-11) از طرف دیگر، با وجود آنکه بیشترین بار تحقیقات مقدماتی جرایم اقتصادی برعهده ضابطین دادگستری است، با این حال انسجام لازم در این زمینه وجود نداشته و این امر توسط نهادهای متعددی انجام می گیرد.

یکی از آفات موجود در واژگان شناسی، تحلیل ویژگی ذاتی اعمال مجرمانه است که با ابهامات زیادی روبرو است. جرم اقتصادی یکی از بدترین مصادیق این امر بوده و یکی از منازعاتی که همواره پیرامون جرم اقتصادی وجود دارد تعریف آن است. در این حوزه، شاهد هنجارها و معیارهای نامشخص، متعارض و قابل تغییری هستیم به طوری که می‌توان گفت همان‌گونه که اقتصاد به سرعت در حال جهانی شدن است جرایم اقتصادی نیز در حال تغییر و دگرگونی هستند و ویژگی اصلی جرایم اقتصادی، تغییرات سریعی است که در آن صورت می‌گیرد. تعاریف موجود در خصوص جرم اقتصادی حول محور شاخصه‌های متعددی شکل گرفته است و قانون‌گذار در هر نظام حقوقی بر حسب اینکه کدام یک از ارزش‌ها را مورد توجه قرار دارد، بر اساس یکی از شاخصه‌ها اقدام به جرم‌انگاری خواهد که در تعریف جرایم اقتصادی وجود دارد این است که جرم اقتصادی، جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد. صاحب نظران تعاریف مختلفی در ارتباط با این عبارت بیان نموده‌اند. جرم اقتصادی به ویژه در ادبیات حقوقی فرانسه تحت عنوان ((جرایم حوزه کسب و کار)) مطرح شده و منظور از آن نیز مجموعه قواعد ناظر بر تضمین امنیت معامله و تلاش برای حاکم کردن قانون به ویژه نسبت به اشخاصی است که بعضاً تمایل به نقض آن دارند یا در پاره‌ای از موارد، جرایمی هستند مربوط به حوزه تولید، توزیع و مصرف. (Paradel, 1990: 4) از این رو، تاکنون تعاریف متعددی از جرایم اقتصادی ارائه شده است. اهمیت تعریف جرایم اقتصادی به ویژه در زمینه مرتبط با پیشگیری از این جرایم خود را نمود می‌دهد به این معنا که در فقدان تعاریف جرایم اقتصادی، امکان خلط مبحث اقدامات پیشگیرانه این جرایم با سایر جرایم مشابه وجود خواهد داشت. معمولاً جرم‌هایی (Afghah and Mansouri, 2015: 59) را که برای دست‌یابی به یک امتیاز مالی ارتکاب می‌یابند؛ جرم‌های اقتصادی می‌نامند. جرم اقتصادی، ((اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور کسب امتیازات اقتصادی است. این تعریف هم‌چنین شامل فرار از مالیات، اشکال مختلف تقلب و اختلاس در شرکت‌ها و موسسات قانونی است.)) (Sjogren and Skogh, 2004: 1-2) هم‌چنین، ((جرایم اقتصادی اعمال ممنوعه‌ای هستند که به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه صدمه وارد کرده یا آن را به خطر می‌اندازند.)) (Tiedeman, 1976: 1-2) این تعریف هم‌چنین به شاخص ((صدمه زدن به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه)) و ((سوء استفاده از اعتماد در قلمروی روابط اقتصادی)) اشاره کرده اما به ((ارتکاب جرم به منظور کسب منافع مادی و اقتصادی)) که از ارکان مهم تعریف این جرم است اشاره نمی‌کند. ((جرم اقتصادی عمدتاً بر فساد حکومت‌ها و شرکت‌ها، گمرک و تقلب در مالیات غیرمستقیم، تقلب شرکت‌ها، تقلب بانکی، تقلب بیمه‌ای، تقلب در تجارت بین‌الملل، فرار از مالیات و پولشویی متمرکز است. جرم اقتصادی می‌بایستی از جرم سازمان یافته متمایز شود.)) (Ledeneva, 2000: 4) در یک رای دیوان کشور فرانسه، جرم اقتصادی این‌چنین تعریف شده است: ((جرم اقتصادی، جرمی است که مربوط به تولید، توزیع و جریان مصرف کالا و تولیدات می‌شود.)) (Aazami Moghadam, 2010: 57) تا پیش از تدوین و تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از دیدگاه حقوق دانان، جرایم اقتصادی مورد اخلال خرد و کلان و فعالیت‌های اقتصادی را دربرگرفته که موضوع آن لزوماً اموال دولتی یا بیت

المال دانسته نمی شود. (Hossieni and Ismielzadeh, 2012: 203) جرم اقتصادی، جرمی تعریف شده است که به منظور تحصیل سود در قالب انواع دیگری از مشاغل قانونی رخ می دهد. این جرم ممکن است شهروندان خصوصی، بخش های تجاری و یا عمومی را متضرر نماید. جدا از این امر، وزارت دادگستری چین نیز اقدام به تقسیم بندی سه دسته از جرایم اقتصادی نموده است: دسته نخست، شامل جرایم اختلاس، کلاهبرداری و رباخواری است. مجازات این دسته از جرایم بستگی به تعداد بزه دیدگان و میزان ضرر پولی دارد. بر این اساس، طبقه اول از جرایم در صورتی به عنوان جرم اقتصادی طبقه بندی خواهد شد که در هر پرونده بیش از ۵۰ بزه دیده یا ۲۰ میلیون دلار ضرر مالی وجود داشته باشد. (Wang, 1998: 13) این معیار مربوط به مراجع قضایی پایتخت است. در دیگر حوزه های قضایی، معیار پایین تر است: بیش از ۳۰ بزه دیده و یا بیش از ۱۰ میلیون دلار برای هر پرونده. طبقه دوم شامل قاچاق، نقض قانون مالیات، جعل پول و یا جعل اوراق بهادار، فروش سیگار یا مشروبات الکلی بدون پرداخت مالیات، نقض قانون کنترل مبادلات خارجی و نقض قوانین بانکی است. این مجرمان صرف نظر از حوزه قضایی، در صورتی که خسارات وارده به منافع حقوقی بیش از دو میلیون دلار در هر پرونده باشد، به عنوان مجرم اقتصادی شناخته می شوند. در طبقه آخر، دسته ای از مجرمان قرار دارند که اقدام به نقض قوانین علائم تجاری، قانون اختراع، قانون کپی رایت، نقض قانون مبادلات خارجی و شرکت های فاقد بیمه ای که اقدام به مشاغل مربوط به بیمه می کنند. این مجرمان نیز صرف نظر از تعداد بزه دیدگان و میزان تضرر مالی در طبقه جرایم اقتصادی محسوب می شوند زیرا آنها به شدت منافع اقتصادی محلی را به مخاطره انداخته اند. (Ibid)

پس بر طبق این تعریف، فرار مالیاتی و انواع متفاوتی از کلاهبرداری و اختلاس در شرکت های قانونی جرم خواهد بود. بدیهی است که هیچ کدام از تعاریف ارایه شده، تعاریف عام الشمولی در ارتباط با جرایم اقتصادی در دسترس قرار نمی دهند.

حوزه های اصلی جرایم اقتصادی را می توان به صورت زیر برشمرد: جرایم بخش عمومی و فساد اداری - مالی و معاملات دولتی و بودجه ریزی (حقوق تامین مالی عمومی)، جرایم علیه زیرساخت ها و اموال عمومی، دارایی ها و سرمایه های عمومی مانند نفت و گاز و محیط زیست، جرایم حوزه خصوصی سازی، جرایم مالیاتی، جرایم بازار کالا و خدمات و جرایم مرتبط با اخلال در رقابت و ایجاد کارتل و انحصار، اقتصاد زیرزمینی و فعالیت های خارج از چارچوب قانون، قاچاق کالا و ارز و کالاهای غیرقانونی، جرایم علیه حقوق مصرف کننده، جرایم علیه نظام تولید و صنایع، جرایم بازار نیروی کار، جرایم بازار نیروی کار، جرایم حوزه بازار سرمایه و بورس، جرایم بانکی و پولی، جرایم شرکتی، جرایم مرتبط با بازرگانی داخلی و تجارت بین الملل، جرایم مرتبط با دستکاری و تقلب در اسناد تجاری و مالی و جرایم علیه شفافیت اقتصادی، جرایم علیه استانداردها و فعالیت بدون توجه به مجوزهای لازم، جرایم گمرکی، جرایم علیه مالکیت فکری، جرایم علیه اموال و مالکیت به ویژه کلاهبرداری و تقلبات مالی.

نقش مولفه های جغرافیایی در ارتکاب جرایم اقتصادی از منظر فقهی، حقوقی داخلی و اسناد بین المللی:

- از منظر اسناد بین المللی

پیش از این که به نقش مولفه های جغرافیایی در ارتکاب جرایم اقتصادی در اسناد بین المللی پرداخته شود بایستی به این نکته اشاره شود که اصولاً دو سند بین المللی در رابطه با جرایم اقتصادی وجود دارد: ۱- کنوانسیون پالمو که معیاری در خصوص جرایم اقتصادی به دست نمی دهد با این حال در چند ماده خود به ابداعات و تحولاتی در زمینه جرایم اقتصادی دست زده است از جمله اینکه در ماده ۹ خود، موانع اخلاقی فردی و شخصی به عنوان پیشگیری غیرکیفری موثر در ارتکاب جرم دانسته شده است ضمن آنکه در ماده ۳ اطلاق شده است که با تقویت افراد در معرض بزه دیدگی از جمله در زمینه جرایم اقتصادی، امکان ارتکاب جرم از بین می رود. هم چنین به بازپروری بزهکار و پرداخت هزینه توسط مجرمین اقتصادی برای مباحث پیشگیرانه صحبت شده است. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی، در تاریخ ۲۱ دسامبر سال ۲۰۰۱ در شهر پالمو در ایتالیا به تصویب رسید و در تاریخ ۲۹ سپتامبر سال ۲۰۰۳، برای کشورهای عضو سازمان ملل متحد لازم الاجرا شد و تاکنون ۱۸۰ کشور آن را پذیرفته اند. این کنوانسیون همان طور که از نامش پیداست، گامی در جهت مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی و تشخیص کشورهای عضو برای مصادیق آن برای جدی بودن مشکلات ناشی از جرائم فراملی است، همچنین این کنوانسیون نشان می دهد که نیاز به تقویت همکاری های بین المللی به منظور مقابله با این مشکلات در بین کشورهای عضو وجود دارد. کنوانسیون پالمو و پروتکل های الحاقی آن به طور صریح عملی را به عنوان جنایت تعریف نمی کنند بلکه دولت ها را مکلف به جرم انگاری این عناوین می نمایند. به عبارت دیگر، تدوین کنندگان کنوانسیون سعی کرده اند تعریف مطلق و غیرقابل تغییری را که همه دولت ها مکلف به پذیرش آن باشند ارائه ندهند زیرا که با مقاومت بیشتر دولت ها مواجه می شد، بلکه تلاش نموده اند دولت ها را به وضع قوانین یکنواخت و بلکه مشابه ترغیب کنند. حتی در مواردی تصریح شده است ((.... تا جایی که با حقوق داخلی هر یک از دول متعاقد مطابقت داشته باشد (...))، تا دولت ها احساس نکنند که قانونی از خارج به نظام حقوقی آن ها تحمیل شده است و اصول حقوقی آن ها نادیده گرفته شده است. مصادیق این نوع جنایات متعدد هستند که فقط به ذکر نام مهم ترین موارد بسنده می کنیم: تطهیر درآمدهای نامشروع، قاچاق مواد مخدر، سرقت آثار و اشیای فرهنگی، هنری، تاریخی و قاچاق آن، سرقت مالکیت معنوی افراد، اعمال تجاری ممنوع سودآور بین المللی و داخلی، قمار و تاسیس قمارخانه های غیرقانونی، قاچاق غیرمجاز اسلحه، قاچاق مواد رادیواکتیو و هسته ای، تجارت انسان (کودکان و بزرگسالان) و نیروی کار، تجارت زنان و کودکان برای فحشاء، قاچاق مهاجران، خرید و فروش اعضای بدن انسان، خرید و فروش حیوانات نایب، داروها و مواد سمی نایب، اخاذی از افراد و شرکت ها و حتی در برخی موارد از دولت ها، کلاهبرداری از افراد و شرکت ها و کلاهبرداری از بیمه، سرقت در اشکال مختلف آن همانند سرقت وسایل نقلیه و خرید و فروش وسایل نقلیه، قتل های قراردادی و اعمال خشونت، هواپیماربابی، دزدی دریایی، جرایم علیه محیط زیست، رشوه دادن به مقامات قضایی، سیاسی و مامورین نظامی، انتظامی و کارکنان

و مستخدمان دولتی از طرق مختلف، جعل و ضرب سکه تقلبی، چاپ اسکناس تقلبی و قاچاق ارز (Salimi, 2002: 173-174) اقداماتی که به موجب کنوانسیون، انجام آن ها خواسته شده است در سه بخش قابل تقسیم بندی هستند: الف) اقداماتی که اجباری هستند (خواه به صورت مطلق خواه در مواردی، تحقق شرایط خاصی مدنظر می باشد؛ ب) اقداماتی که دولت های عضو می بایستی اعمال کرده یا تلاش به اعمال آن ها نمایند؛ ج) اقداماتی که اختیاری هستند. اقدامات اجباری، اقداماتی هستند که از طریق کاربرد عبارت ((دولت های عضو ملزم هستند)) مشخص شده است.

کنوانسیون پالمو را می توان با دو رویکرد حقوقی و جرم شناختی مورد مطالعه قرار داد. از منظر حقوقی، کنوانسیون پالمو جامع ترین ابزار بین المللی دارای ماهیت کیفری است که برای مبارزه همه جانبه با جنایات سازمان یافته فراملی تدوین شده است. نگرانی های جامعه بین المللی در رابطه با گسترش جرایم سازمان یافته فراملی سبب شده تا در مقدمه کنوانسیون پالمو، با ابراز نگرانی عمیق از تبعات منفی اقتصادی - اجتماعی مترتب بر فعالیت های مجرمانه سازمان یافته، بر تقویت همکاری های بین المللی در این حوزه تاکید شده است. کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان یافته فراملی در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ طی قطعنامه ۵۵،۲۵ در اجلاس پنجاه و پنجم به تصویب مجمع عمومی رسید و در دسامبر ۲۰۰۰ در پالمو، ۱۲۳ دولت از جمله ایران اقدام به امضای آن نمودند و ۳۲ دولت نیز آن را تصویب کرده اند. در متن کنوانسیون پالمو، ضرورت جرم انگاری اعمال ذیل توسط دولت های عضو مورد تصریح واقع شده است: ۱- ارتکاب جنایت شدید که منظور از آن، عمل مجرمانه ای است که به موجب حقوق داخلی، مجازاتی بیش از چهار سال حبس داشته باشد و توسط گروه جنایی سازمان یافته ارتکاب یافته باشد؛ ۲- مشارکت در یک گروه جنایی سازمان یافته؛ ۳- تطهیر منافع حاصل از ارتکاب جنایت یا همان پولشویی؛ ۴- فساد مالی (ارتشاء)؛ ۵- ممانعت در روند اجرای عدالت.

کنوانسیون پالمو به تعریف جنایات سازمان یافته فراملی نپرداخته است و صرفا در ماده پنج خود دولت های عضو را به جرم انگاری در زمینه این جنایات مکلف نموده است:

۱- هر دولت متعهدی اقدامات قانون گذاری و سایر اقداماتی را که ضروری باشند اتخاذ خواهد نمود تا اعمال زیر را در صورتی که به طور عمدی ارتکاب یابند، جرم جنایی تلقی کند:

الف) هر یک از جرایم جنایی زیر یا هر دو جرم صرف نظر از این که شروع به جرم باشد یا جرم تلقی شود

۱- توافق با یک یا چند شخص دیگر برای ارتکاب یک جنایت شدید در صورتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به منظور تحصییک منفعت مالی یا نفع مادی دیگری باشد و در صورتی که حقوق داخلی چنین اقتضاء کند متضمن عملی باشد که یکی از شرکاء در انجام توافق برعهده گرفته باشند یا توسط یک گروه جنایی سازمان یافته ارتکاب یابد؛

۲- رفتار کسی با علم بر هدف و فعالیت جنایت کارانه عمومی یک گروه جنایی سازمان یافته یا با علم بر قصد ارتکاب جنایات مورد بحث در فعالیت های زیر شرکت فعال کند:

الف. فعالیت های جنایت کارانه گروه جنایی سازمان یافته
ب. فعالیت های دیگر گروه جنایی سازمان یافته با علم بر این که مشارکت وی در نیل به هدف جنایت کارانه موصوف موثر است؛

- سازماندهی، هدایت، کمک، مساعدت، تسهیل یا مشاوره برای ارتکاب جنایت شدیدی که توسط یک گروه جنایی سازمان یافته ارتکاب یابد

- علم، قصد، هدف، مقصود یا توافق مورد اشاره در بند یک این ماده را می توان از اوضاع و احوال موضوعی عینی استنباط نمود.

- دولت های متعهدهی که حقوق داخلی آن ها برای تحقق جرایم مندرج در بند یک این ماده، وجود یک گروه جنایی سازمان یافته را لازم می دانند ترتیبی خواهند داد که حقوق داخلی آن ها تمام جنایات ارتكابی گروه های سازمان یافته را شامل شود. چنین دولت هایی هم چنین دولت های متعهدهی که حقوق داخلی آن ها وجود عملی را برای تحقق توافق انجام شده در جهت ارتكاب جرایم مندرج در بند مذکور لازم می دانند، چنین امری را موقع امضاء یا تودیع سند تصویب، پذیرش، تصدیق یا الحاق به این کنوانسیون به دبیرکل سازمان ملل متحد اطلاع خواهند داد.

دومین کنوانسیونی که می تواند به بحث جرایم اقتصادی ارتباط داده شود، کنوانسیون بین المللی مبارزه با فساد موسوم به کنوانسیون مریدا است. کشور جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از کشورهای عضو این کنوانسیون بوده و قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم خردادماه یک هزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۲۰ / ۷ / ۱۳۸۷ و در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی تصویب آن را با درج بیانیه الحاقی، موافق با مصالح نظام تشخیص داد. (Nazari Nejad and Esfandiari fard, 2016: 193-194) کنوانسیون مریدا، جرم اقتصادی را تعریف ننموده است و اساسا این کنوانسیون در ارتباط با جرایم فساد است و ضرورتا برخی از مصادیق جرایم فساد از جمله جرم اختلاس، جرم اقتصادی نبوده بلکه جرایم مالی می باشند. بنابراین، در کنوانسیون مریدا ما با جرایم متعددی مواجه هستیم که برخی از آنها چون ارتشاء، تعارض منافع می تواند از زمره جرایم اقتصادی و برخی چون اختلاس می تواند از زمره جرایم مالی باشد. بنابراین بهتر آن است که به جای تعقیب یک تعریف واحد در کنوانسیون مریدا در ارتباط با جرم اقتصادی به دنبال استفاده از مکانیسم های کنوانسیون مریدا در تعریف مصادیق جرم اقتصادی از جمله ارتشاء باشیم.

از منظر فقهی و حقوق داخلی

در فقه باب خاصی به تاثیرگذاری مولفه های جغرافیایی در ارتكاب جرایم اقتصادی اختصاص داده نشده است با این حال، می توان نقش مولفه های جغرافیایی در زمینه ارتكاب جرم اقتصادی به نحوی پراهمیت دانست که دولت

اسلامی در قلمروی سرزمینی خود بر طبق نظر برخی از فقهاء، می بایستی مبادرت به حفظ نظام اسلامی و جلوگیری از اختلال در امور مسلمین پرداخته و این امر، واجب عقلی، شرعی و موکد است. (Khomeini, 1989: 619)

بعضی از جرایم اقتصادی در فقه اسلامی سبقه ای ندارند و بنابراین صحبت از تاثیرگذاری مولفه های جغرافیایی در ارتکاب آن ها نیز به نظر می رسد خالی از فایده باشد از جمله پولشویی که تحت مستندات فقهی عامی چون حرمت ((اکل مال بالباطل)) و ((حرمت اکل سحت)) قرار می گیرند، نه تنها پذیرش آن منافاتی با مبانی فقهی ندارند بلکه جزئی از آن است. مفسران بزرگ اسلامی در خصوص آیه اول فرمودند: که آیه عمومیت دارد و تمام تصرفات ناروا و باطل را دربرمی گیرد. منظور از اکل، مطلق تصرفات و تملکات است و منظور از مال، هر چیزی اعم از پول، منافع و اسناد مالی را شامل می شود و مراد از باطل، مطلق تصرفات و تملکات حرام و غیرقانونی است مثل سرقت، ربا، قمار، نیرنگ، رشوه، تصرفات عدوانی، سوگند دروغ و غیره می باشد و مراد از آیه دوم و سحت، هر چیزی است که کسب آن، حلال نباشد. در واقع، گرچه ((سحت)) و ((باطل)) از نظر لغوی با هم تفاوت دارند ولی در بسیاری جهات مشترک می باشند و معنای اکل مترادف با اکل مال به باطل است. علاوه بر مستندات آیه ای، مستندات روایی نیز بر همین مطلب تاکید می ورزند مانند خطبه امیرالمومنین در روز دوم پس از تصدی بر مقام ولایت فرمود: آگاه باشید به درستی همه زمین هایی که عثمان بخشیده و هر مالی که از مال خدا را اعطاء کرده همه باید به بیت المال برگردد چون هیچ چیزی حق گذشته را باطل نمی کند و اگر آن اموال را پیدا کنم ولو به عنوان صدق زنان قرار گرفته باشد و در شهرها پراکنده شده باشد به حالت اولیه و اصلی خود برمی گردانم.)) لذا اگر تصاحب و تملک ناحق اموال بیت المال را به عنوان جرم در نظر بگیریم، به جریان انداختن این اموال نامشروع در کانال های مشروعی مانند قرار دادن آنها به عنوان مهر زنان و اعمال دیگر، مصداق بارز و آشکار تطهیر و شست و شوی درآمد های نامشروع است. برخی از جرایم اقتصادی نیز در متون اسلامی مورد تصریح قرار گرفته اند از جمله ربا، (Alavi, 2010: 25-30). برخی از جرایم اقتصادی نیز چون رشوه با اینکه به نظر جرایم معاصر اقتصادی تلقی می شوند به عنوان یک جرم اقتصادی که سیاست کیفری اسلامی نسبت بدان واکنش نشان داده است، تعبیر شده است.

از طرفی در فقه اسلامی به جهت وجود اصول کلی عقلانی مانند اصل نهي از خيانت، اصل نهي از وارد کردن ضرر به ديگران، نهي از دارا شدن بی جهت، نهي از اخلال در بازار مسلمين، اصل نهي از فریب مومن و.. می توان هر حرکت اقتصادی را که برای افراد یا جامعه ضرر داشته و موجبات اخلال در نظام اقتصادی را فراهم می نماید، جرم تلقی کرد و مرتکب آن را مستحق کیفر دانست. هم چنین مبانی نقلی فقهی از جمله حرمت اکل مال به باطل، حرمت تعاون بر اثم، حرام بودن مقدمه حرام، قاعده سد ذرایع در زمینه ممنوعیت ارتکاب جرایم اقتصادی دلالت دارد. این دلایل من حیث المجموع موجب شده اند که در جرایم اقتصادی از منظر فقه اسلامی، رکن روانی از اهمیت زیادی برخوردار نبوده و به عبارت دیگر می توان گفت که سیاست جنایی اسلامی از ابتداء در مورد جرایم اقتصادی، سیاست دو رکنی را پیگیری نموده است تا سه رکنی. از نظر فقه اسلامی، با توجه به اینکه جرایم اقتصادی ماهیتاً

دربدارنده نوعی ضرر و زیانی خواه مادی و خواه معنوی به افراد جامعه می باشد و اصولاً جرم انگاری نسبت به فعل یا ترک فعل توسط قانون گذار ناشی از این است که این عمل برای امنیت جامعه و یا عدالتی که باید در جامعه، افراد از آن برخوردار باشند، مضر است، عدم تصریح به ضرورت رکن معنوی به این علت است که این گونه جرایم از نظر اقتصادی، نظم جامعه را به شدت تحت تاثیر قرار داده و آثار آنی آن در جامعه از ضررهای جرایم دیگر بیشتر و ملموس تر است و از طرف دیگر، غالباً مرتکبین جرایم اقتصادی با انگیزه های مالی و مادی اقدام به این گونه اعمال مجرمانه نموده و تاثیر اعمال آنها گاهی تمام جامعه یا بخش قابل توجهی از آن را تحت الشعاع قرار می دهد، بنابراین این گونه جرایم را بایستی اصولاً جرایم دو رکنی محسوب نمود. هم چنین از نظر برخی فقهاء هم چون امام خمینی (ره)، حفظ نظام اسلامی و جلوگیری از اختلال در امور مسلمین به ویژه از جنبه اقتصادی، واجب عقلی، شرعی و موکد بوده و بنابراین، مجرمان اقتصادی را که نظم اقتصادی جامعه اسلامی را تحت الشعاع خود قرار می دهند، فارغ از قصد معنوی شان بایستی تعقیب و مجازات نمود.

برخی راهبردهای مبتنی بر مولفه های جغرافیایی در ارتباط با جرایم اقتصادی فرصت های پله ای^۱

یکی از موفقیت ترین برنامه های راهبری جامعه محور در ارتباط با مولفه های جغرافیایی در ارتباط با جرایم اقتصادی که در ایالات متحده آمریکا انجام شده است، برنامه موسوم به ((فرصت های پله ای)) (The Quantum Opportunities Program) بوده است. (Hahn, 1999, 235-238) این برنامه در پنج نقطه در ایالات متحده آمریکا اجرایی شده است. در هر یک از این نقاط پنج گانه، ۲۵ نفر از کودکان به عنوان گروه آزمایشی و ۲۵ نفر به عنوان گروه کنترل قرار گرفتند. هدف اصلی این برنامه، بهبود فرصت های زندگی کودکان محروم و کودکانی که در معرض ریسک بالای ارتکاب جرایم مختلف بودند در طول مدت تحصیلشان در دبیرستان ها بود. این برنامه پیشگیری برای مدت ۴ سال و برای پایه های ۱۲ به بعد در دبیرستان های مورد مطالعه صورت گرفت و سه دسته از فعالیت ها یعنی فعالیت های آموزشی، فعالیت های خدماتی و فعالیت های رشدمدار را تحت پوشش قرار می داد. پس از شش ماه از آغاز این برنامه، بر مبنای ارزیابی های صورت گرفته، میزان ارتکاب جرایم کودکان در گروه آزمایشی ۱۷ درصد به ۵۸ درصد در گروه کنترل بود. نتایج قابل ملاحظه ای در این برنامه مشاهده گردید. از جمله در مقایسه با گروه کنترل، کودکانی که در گروه آزمایشی قرار داشتند، احتمال بیشتری داشت تا از دبیرستان ها فارغ التحصیل شوند (۶۳ درصد در مقابل ۴۲ درصد) و در مقابل، احتمال کمتری داشت تا در درس خود در دبیرستان محل تحصیل، مردود شوند (۲۳ درصد در مقابل ۵۰ درصد) (Hahn, 1994: 67). این برنامه با توجه به اینکه بر اساس مناطق جغرافیایی کم برخوردار صورت گرفته است، نقش برجسته ای در ارتباط با تاثیرگذاری مولفه های جغرافیایی بر ارتکاب انواع جرایم از جمله جرایم اقتصادی داشته است.

^۱. The Quantum Opportunities Program

برنامه دوران زیبایی پیش از مدرسه^۱

این برنامه پیشگیرانه نیز از آنجا که با تاکید بر کاهش ارتکاب جرایم فعلی و آینده احتمالی آفریقای تباران صورت گرفته است که یکی از جنبه های بارز آن، می تواند در آینده، ارتکاب جرایم اقتصادی باشد، با این جرایم مرتبط می باشد. این برنامه یکی از بهترین و موثرترین برنامه های پیش از مدرسه در کانادا در زمینه پیشگیری از جرایم می باشد. (Sanders et al,2000:626) این برنامه در ابتدای امر یک برنامه پیشگیری از جرایم کودکان آفریقای آمریکایی بود که به عنوان گروه های آزمایشی و کنترل انتخاب شده بودند. در این برنامه، کودکانی که در گروه آزمایشی قرار گرفته بودند، برنامه های روزانه پیش از مدرسه پیشگیری از جرم را برای مدت دو سال به صورت هفتگی طی نمودند و نتایج این آزمایش، متعاقباً، منافع زیادی را در ارتباط با پیشگیری از جرم از طریق مراقبت های روزانه آشکار نمود از جمله نشان داده شد که در سن ۱۹ سالگی، احتمال بیشتری داشت که کودکانی که در گروه آزمایشی بودند استخدام شده، از دبیرستان فارغ التحصیل شده و آموزش های شغلی و دانشگاهی بهتری را دریافت نمایند. اسواینهارت و دیگران (۲۰۰۵) با مطالعه تا سن ۴۰ سالگی، کودکان سابق که در گروه آزمایشی برنامه Perry Preschool بودند به این نتیجه دست یافت که تفاوت های گروه آزمایشی و کنترل حتی تا این سن نیز از نظر جرم شناسی مهم بوده است. در مقایسه با گروه کنترل، اعضای گروه آزمایشی به مراتب، بازداشت های بسیار کمتری را برای جرایم خشن (۳۲ درصد در مقابل ۸۰ درصد)، جرایم علیه اموال (۳۶ درصد در مقابل ۵۸ درصد) و جرایم مواد مخدوری (۱۴ درصد در مقابل ۳۴ درصد) تحمل نموده بودند. سطوح بالاتر تحصیلاتی و حتی مقادیر بالاتر درآمدی در افراد گروه آزمایش مشاهده شد. (Strang and Sherman,2005:17)

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

جرم در مفهوم عام آن و جرم اقتصادی در مفهوم خاص آن، هر دو به عنوان پدیده های ضد هنجار شناخته می شوند که صرفاً یک رفتار ضد قانونی نمی باشند به عبارت دیگر، نمی توان صرفاً از طریق پوزتویسم حقوقی، اقدام به کنترل انواع فعالیت های مجرمانه نمود. این امر دو نتیجه مهم در بحث های پیشگیری و مبارزه با جرایم مختلف از جمله جرایم اقتصادی ایفاء می نماید. اولاً اینکه نمی توان صرفاً با توسل به اقدامات سرکوب گرایانه، اقدام به کاهش ارتکاب جرایم از جمله جرم اقتصادی نمود بلکه بایستی مولفه های مختلف به ویژه مولفه های جغرافیایی را در ارتکاب این جرایم موثر دانست. ثانیاً، اثبات نقش آفرینی مولفه های مختلف از جمله مولفه های جغرافیایی در ارتکاب جرایم به ویژه جرایم اقتصادی می تواند در مبارزه موثرتر نظام عدالت کیفری به این قبیل جرایم موثر افتد. نکته مهم در این راستا آن است که در کشورهای توسعه یافته حقوقی از جمله ایالات متحده و کانادا، راهبردهای مبتنی بر مولفه های جغرافیایی در زمینه جرایم اقتصادی عمدتاً متوجه کودکان و افراد محروم در مناطق جغرافیایی است که از نظر اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارند. هم چنین، مناطق جغرافیایی که اقلیت های نژادی، مذهبی در آن

^۱. The Perry Preschool

اقامت دارند، در معرض بیشترین جرایم از جمله جرایم اقتصادی هستند. البته بدیهی است که چالش‌های مختلفی نیز در تبیین علل جغرافیایی ارتکاب جرایم اقتصادی در نظام حقوق داخلی، فقه و اسناد بین‌المللی وجود دارد. اولاً اینکه جرم اقتصادی یک دسته بندی جدید از جرایم بوده که در فقه سبقه چندانی ندارند علاوه بر اینکه بسیاری از جرایم اقتصادی و حتی مالی مانند ارتشاء، اختلاس، تعارض منافع و ... از زمره جرایمی هستند که سابقه بحث ندارند و صرفاً فقهای متأخر در ارتباط با آن، نوعی نظریه پردازی نموده اند که نمی‌توان آن را نیز به عنوان یک سابقه مستقل فقهی مورد بحث قرار داد. ثانیاً، در مورد تعریف جرم اقتصادی نیز بین نظام‌های حقوق داخلی اتفاق نظر وجود ندارد و همین موضوع تبیین دقیق نقش مولفه‌های جغرافیایی را در ارتکاب جرم اقتصادی با چالش‌های متعددی مواجه نموده است. این موضوع زمانی تشدید می‌گردد که دانسته شود که اسناد بین‌المللی ناظر بر جرم اقتصادی به ویژه کنوانسیون مریدا و کنوانسیون پالرمو نیز تعریف مستقل از جرم اقتصادی را به نظام‌های حقوقی داخلی احاله داده اند.

References

1. Aazami Moghadam, Majid, (2010) " *Conceptualizing the Economic Crime or Economic Corruption* ", Karagah Journal, 2th version, 4th year, pp 50-76. (In Persian)
2. Afghah, Seyed Morteza and Mansouri, Seyed Amin, (2017) " *the Analyzing of the connection and the effect of the Moral and Economic Crimes on the Underground Economy in Iran with the Methodology MIMIC* ", The Quantitate Economy Journal, 12th version, 2th volume, pp 52-78. (In Persian)
3. Hasani, Jafar and Mehra, Nasrin, (2015) " *Criticism on the Economic Crime Notion in the Iranian Islamic Penal Code* ", the Criminology Journal, 2th version, Volumes 2 & 3, pp 43-56. (In Persian)
4. Khomeini, Seyed Rohallah, (2014) " *Ketab-al-Beia* ", Imam Khomeini Publication Institute, 1th version, volume 2. (In Arabic)
5. Ledeneva, Alena.V and Kurchigan, Marina, " *Economic Crime in Russia*, " Kluwer Law International, 2000, p 4.
6. Nazari Nejad, Mohammad Reza and Esfandiari Far, Khashayar, (2016) " *the Comparative Study of the International Convention on Countermeasures against Financial Corruption and the Administrative System Health Act* ", The Criminal Law Journal, 7th year, 1th Volume, pp 190-210. (In Persian 7- Paradel, John, Economic Crime, Cambridge Publication, 1990, p.4.
7. -Salimi, Sadegh, (2002) " *The Transnational Crimes in the Palermo Convention and their Effects* ", International Law Journal, 29th version, pp 170-187. (In Persian)
8. 9- Sjogren, Hans and Skogh, Goran, (2004) " *New Perspectives on Economic Crime* ", Edward Elgar Publishing Limited
9. 10- Tiedeman, Klaus, (1976) " *Phenomenology of Economic Crime* ", Council of Europe
10. 11- Wang, Hiao-Ming (1998), " *The sanctioning of Economic Crime in the Republic of China: The Socioeconomic Status – sanction Hypothesis*, A dissertation presented to the faculty of college of criminal justice.

**A Comparative Study of the Role of Geographical Components in
Committing Economic Crimes from the Perspective of Iranian Law and
Imami Jurisprudence and International Documents**

Mina Hussein Al-Husseini

PhD Student in Criminal Law and Criminology, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University,
Rafsanjan, Iran.

Amanullah Ali Moradi*

Assistant Professor of Law, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Hamid Dalir

Assistant Professor of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.

Mehdi Ahmadi Mousavi

Assistant Professor of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran.

Abstract

Geographical components play a significant and fundamental role in committing economic crimes, so that factors such as territorial and climatic conditions, climate change, etc. have been considered as one of the prominent factors in committing these crimes. Of course, the fact that these factors continuously play a role in committing these crimes is still not fully considered as a comprehensive and deterrent factor. This research, which has been done using a descriptive-analytical approach, seeks to answer the question: what is the role of geographical components in committing economic crimes according to the standards and standards of Iranian law, Imami jurisprudence and international documents? The result of the present study is that although geographical components such as the civilian population are important in committing some crimes such as international crimes as well as moharebeh and some examples of corruption on earth in jurisprudence and domestic and international law, but in The context of economic crimes Geographical components as independent factors have not been considered in domestic law documents, international law documents or Imami jurisprudence. However, this neglect has been alleviated to some extent, especially in the field of international documents, with the advent of interpretations on the material of these documents, and the role of geographical factors has become somewhat important.

Keywords: economic crime, geographical factors, human factors, jurisprudence, law, international documents.

* (Corresponding Author) alimoradi479@yahoo.com